



اصول تفسیر میراث

علی شادلو

ندا مهدوی



شرکت آموزشی و گردشگری ارسباران

تاریخچه و تعریف علم تفسیر میراث در جهان

تاریخچه تفسیر: نخستین بار میلز واژه تفسیر را برای عنوان شغلیش که راهنمای گردشگری در طبیعت در لانگز پارک کلرادو بود، به کار برد.

میلز از اواخر ۱۸۸۰ تا اوایل ۱۹۲۰، راهنمای تفسیری در جایی بود که امروزه گردشگاه ملی راکی مانتین نامیده می شود. وی کتابی به نام «سرگذشت یک راهنمای طبیعت و مقالاتی در باب تفسیر» نوشت. میلز در این اثر به چند اصل اساسی فلسفی برای رسیدن به تفسیر موثر اشاره کرده است:

« راهنمای طبیعت، طبیعت دوستی است که می تواند دیگران را برای پی بردن به رازهای طبیعت رهنمون سازد.»

فرآیند ارائه آگاهی و اشتیاق با هدف ارائه ی مفهوم منابع (میراث) فرهنگی و طبیعی به واسطه وجود ابزارهای رسانه ای مختلف شامل توضیحات چهره به چهره، تورهای دارای راهنما.

تفسیر موعظه نیست، ولی موعظه را هم در دل خود دارد.

تفسیر قدرت فراگیری و درک ما از ارزش و نهایتاً حفظ مکان های تاریخی و شگفتی های طبیعی را افزایش می دهد.

تفسیر اطلاع رسانی می کند، الهام می بخشد، تفسیر را می توان برای زمین شناسی، بوم شناسی یا تاریخچه مکان بدون دخل و تصرف به کار برد. در تفسیر با داستان سرایی کار داریم، داستان واقعی نه بافتنی.

تفسیر فرآیند دیدن، آموختن، تجربه کردن و مستقیم الهام گرفتن است.

کاربرد تفسیر میراث و اهمیت آن در جهان و دین مبین اسلام

طبق آموزه های دینی و ملی، یکی از راه های تدبیر در خلقت خداوند، سفر کردن است که انسان با رفتن و سیر در زمین و شماهده دریا، کوه، دره و ... به عظمت و بزرگی او پی می برد.

« علم تفسیر میراث، راه اصلی فهماندن معرفت کردگار به عموم مردم است »

تفسیر میراث همان رکن مهم گردشگری است که امکان تدبیر در آفرینش و فراتر از آن امکان در حیرت افتادن از عظمت آفرینش را در انسان به وجود می آورد؛ چیزی مثل موعظه پنهان درباره عظمت خداوند، موعظه ای که مخاطب متوجه آن نمی شود ولی بیشترین و ماندگارترین تاثیر را از آن می گیرد.

تفسیر ابزار مدیریتی برای تغییر نگرش و رفتار

کاربرد تفسیر در موزه ها، سایت های طبیعی،
باغ پرندگان و پروانه نگری

اصول پانزده گانه تفسیر میراث در قرن بیست و یکم

اصل نخست - ایجاد بارقه فکری

فریمن تیلدن اظهار می دارد: « عمده » علایق بازدید کنندگان به زیبایی مکان های طبیعی و مکان های مهم تاریخی به این نکته باز می گردد که چه چیزی به شخصیت، تجارب و یا ایده آل های آنان ربط دارد. این امر، اساس تفسیر موثر است، یعنی اخذ اطلاعات درباره منابع فرهنگی و طبیعی و مرتبط ساختن آن با مخاطبان.

داستان تفسیر باید به نحوی با شخصیت یا تجربه فرد بازدید کننده مرتبط باشد.

برای جلب توجه و علاقه مندی مردم، پیام های تفسیری باید چنان جالب و پرمعنی باشند که مخاطبان به آن اهمیت دهند و چنان متقاعد کننده باشد که مردم پس از شنیدن آن، مثل گذشته، نیاندیشند و مثل قبل عمل نکنند.

مفسر، با تشخیص علایق مخاطبان به خصوص، می تواند طیف وسیعی از اهداف ایجاد کند.

اصل دوم- تفسیر در عصر اطلاعات

میلز: « مفسر در بیان حقایق وقتی در بهترین حالت خود است که بتواند همزمان قوه تخیل و منطق شنوندگان را به سمت خود جذب نماید ».

تمام تفسیرها دربر گیرنده اطلاعات هستند. چون اگر هیچ اطلاعاتی منتقل نشود در آن صورت نام چنین برنامه ای، سرگرمی است.

لازم به ذکر است برای مفسران، در حین انجام «وظیفه اطلاع رسانی» نیز، فرصتی برای ارائه تفسیر به وجود می آید. مثلاً پرسیدن سوالی از سوی بازدید کننده نه تنها فرصت پاسخگویی مستقیم را فراهم می آورد بلکه فرصتی برای تشریح را نیز در اختیار مفسر قرار می دهد.

اگر درک خوبی از موقعیت به دست آوریم و به پذیرش بازدید کننده جهت گوش دادن به حرف هایمان پی ببریم، باید فرصت را غنیمت شمرده و به تفسیر اطلاعات مورد درخواست گردشگر اقدام کنیم. در اینجا مسئولیت مفسران، رمزگشایی از اطلاعات مربوط به تاریخچه طبیعی و فرهنگی کشورشان است.

اصل سوم - اهمیت داستان سرایی

در راستای ارائه ی هنری کار از طریق تفسیر، باید طوری آن را به صورت داستان، طراحی کنیم که آگاهی دهنده، سرگرم کننده و آموزنده باشد.

به کارگیری «هنر» در تفسیر، به ماهیت خلاقانه ارائه داستان تفسیر و استفاده از هنرهای مختلف در تفسیر مثل نمایش و موسیقی و رقص، اشاره دارد.

در طول بیش از دو دهه گذشته، تفسیر شاهد بیان مفصل داستان از طریق شعر، تئاتر، خیمه شب بازی هنرهای تجسمی بوده است. این برنامه ها جاذبه زیادی برای دیدار کنندگانی دارد که اولویت مطلوب و قبلی شان برای استفاده از فرصت های تفسیری سنتی تر بوده است.

این نوع ارائه برنامه می تواند مردم جوامع محلی را که قبلا توجه و علاقه چندانی به تفسیر نشان نمی دادند را نیز جذب نماید.

اصل چهارم - ایجاد انگیزش

هدف از داستان تفسیری، کمک به شنونده یا خواننده برای وسیع تر کردن افق دید خود و سپس عمل کردن به این دیدگاه نو است. اکثر بازدیدکنندگان مکان های تفسیری، مشتاق و علاقه مند به فراگیری حقایق عمیق تر از مکان هایی هستند که برا یبازدید خود برگزیده اند.

هنر تفسیر زدودن پرده های ابهام از رازهای جهان طبیعی و فرهنگی است.

تفسیر در قدرتمندترین سطح خود، می تواند باعث تغییر دیدگاه ها و تغییر رفتار مردم شود.

اصل پنجم - تفسیر کل گرایانه

اولسون گفته است که در بیان کل، ما باید به ژرفای وجودی مخلوق بازگردیم، چون این ژرفا، تمام آنچه را که پیش از ما سپری شده است، با خود به همراه دارد.

این اصل دو موضوع عمده را مورد بحث قرار می دهد:

اول ارائه تصویری از کل و دوم تفسیر آن برای کل بشر.

تفسیر منطقه ای و جهانی از عناوین مهم در تفسیر کلیت است.

اصل ششم - تفسیر برای تمامی رده های سنی

میلز: هیچ مدرسه ای مثل طبیعت نمی تواند الهام بخش کودکان باشد، چنانچه قادر باشد به آن ها بینش بخشد و قدرت تجسم آن ها را تحریک کند.

تفسیری که کودکان را مخاطب قرار می دهد نباید مطالب کم رنگ شده ی تفسیر ارائه شده به بزرگسالان باشد، بلکه باید از روش کاملاً متفاوتی تبعیت کند.

تاکید بر روی گروه سنی کودکان بع علت بیشتر در معرض مخاطره بودن آنان شدیدتر است، و نیازمند ادبیات وسیع تر و عمیق تری برای ارائه تفسیر می باشد.

اصل هفتم - بازآفرینی گذشته

هر مکانی تاریخچه ای دارد. مفسران می توانند با زنده کردن وقایع گذشته، زمان حال را لذت بخش تر و آینده را پرمعنا تر سازند.

ارائه برنامه های تفسیر با مفاد تاریخی، به ارتباط با مخاطبان، بیان مفهوم و حقیقت عمیق تر و الهام بخشیدن به افراد تکیه دارد.

مفسران باید از انتخاب مضامین یا نظریه هایی که حول مضامین روز است اجتناب بورزند. در بسط و ایجاد یک مضمون یا نظریه، باید اطمینان حاصل کنیم که نه فقط از لحاظ سیاسی صحت داشته باشد بلکه به لحاظ دوره تاریخی نیز مناسبت داشته باشد.

تفسیر تاریخی در مورد امروز نیست، تیلدن گفته است که کمال مطلوب تفسیر در خلق مجدد گذشته و ایجاد پیوند با گذشته است. رسالت مفسران تاریخ، خلق مجدد گذشته به طریقی است که گذشته، زنده شود.

اصل هشتم - تجهیزات فن آوری پیشرفته

در مکان های تفسیری از هر چیزی استفاده می شود از تصاویر سه بعدی و ساخت جانوران روباتیک گرفته تا لوح های فشرده ی رایانه ای و آموزش از راه دور ماهواره ای.

با استفاده از تجهیزات فن آوری پیشرفته ، مراکز محلی گردشگری طبیعت و کوچک ترین موزه ها، حوزه نفوذ خود را هم در حد همان مکان و هم در دنیایی فراتر به اندازه این جهان گسترش می دهند.

امروزه پارک ها و موزه ها، خود را در مسیر «بزرگراه اطلاعات» قرار داده اند و مردم سراسر جهان می توانند در مورد منابع موجود در آن مکان ها بیاموزند.

ویدیو، انیماترونیکس (زنده نمایی)، تصاویر سه بعدی (هولوگرام ها)، نمایشگرهای رایانه ای تعاملی، اینترنت، آموزش از راه دور، سامانه اطلاعاتی جغرافیایی (GIS)

اصل نهم - به قدر کفایت کافی است

مفسران باید به ارائه کمی و کیفی اطلاعات اهمیت دهند. تفسیر دقیق و مبتنی بر انجام پژوهش، موثرتر از ارائه سخنرانی طولانی مدت است.

میزان بیش از حد اطلاعات یا تعداد بیش از حد اشیاء، بر انگیزه یا توانایی مخاطبان در پردازش اطلاعات چیره می شود. موضوع کیفیت، در مورد صحت اطلاعاتی که ارائه می شود، اشاره دارد.

تیلدن ارائه اطلاعات غلط یا بیان اغراق آمیز آن ها را به «تفسیربازاری» شبیه دانسته است. در چنین شرایطی آدم های باهوش بیان اغراق آمیز را نمی پذیرند و مفسران اعتبار خود را از دست می دهند.

اصل دهم- شیوه فنی مقدم بر هنری

پیش از به کار بردن هنر در تفسیر، مفسر باید با فنون اولیه برقراری ارتباط آشنا باشد. تفسیر کیفی به دانش و مهارت مفسر متکی است و باید به طور مداوم توسعه یابد.

یک مفسر باید قبل از آنکه استعداد هنری خود را به کار گیرد، عناصر اصلی سخنرانی در جمع (زبان بدن، کنترل صدا و پی ریزی سخنرانی) خود را تقویت کند.

من سنگ ها را تفسیر خواهم کرد، زبان سیلاب و بهمن را یاد خواهم گرفت من با یخچال ها و درختان جنگلی آشنا خواهم شد و هرچه بیش از قبل، به قلب جهان نزدیک تر خواهم شد (جان مویر)

اصل یازدهم - نگارش تفسیری

نوشته تفسیری با بهره گیری از خرد، تواضع و دقت لازم، باید آنچه را که خوانندگان خواهان یادگیری آیند، ذکر کند.

تیلدن در مورد نگارش، بر «تابلو نویسی» یعنی نوشتن متن تابلوها و برجسب ها توجه داشت. او شرح داد که این نوع نوشته های مناسب، حاصل ۹۰٪ تفکر و ۱۰٪ نگارش است.

بدون تفکر قوی، عرضه نوشته ای کامل، غیرممکن است، اما نوشتن قطعه ای (علمی-ادبی) از روی فکر، (حتی با داشتن نقایصی در نگارش)، می تواند مفاهیم معناداری را منتقل نماید. در هر حال، هم تفکر و هم نگارش، هر دو بر خلق نوشته ای خوب لازم است.

اصل دوازدهم- جلب حمایت مالی و ایجاد زمینه های همکاری

کل برنامه تفسیری باید قادر به جذب حمایت های مالی، داوطلبانه، سیاسی، اجرایی و سایر حمایت هایی باشد که برای پیشرفت و به ثمر نشستن این برنامه ها لازم است.

مفسران در تامین هزینه های تفسیر در دوران امروزی با مسئله ی متقاعد کردن مردم و مسئولان شان روبرو هستند که سعی دارند بگویند کار تفسیر، امری تجملاتی نیست، بلکه ارائه خدمتی ضروری است که برای جامعه و سازمان های حامی، منافع متعددی در پی دارد.

از نقطه نظر تجاری، تفسیر برای دوام خود همیشه به کسب درآمد نیاز داشته است. در این راستا می توان از روش های مختلفی مثل اخذ ورودیه، فروش بلیط برای برنامه ها یا راهبردهای گوناگون جمع آوری کمک های مالی، درآمدزایی کرد.

اصل سیزدهم - تفسیر زیبایی

تفسیر باید بتواند ظرفیت درک زیبایی محیط اطراف را جهت رشد معنوی مردم و تشویق مردم به حفظ منابع، ارتقاء بخشد.

زیبایی، موضوعی است که کاملاً به طرز تفکر شخص وابسته است و در نتیجه کاملاً ذهنی است چنانچه کسی نمی تواند آن را تعریف کند.

یکی از وظایف مفسران این است که بازدید کنندگان را آماده کنند تا پذیرای زیبایی باشند و هر کار ممکن را مدبرانه انجام دهند تا فضایی سرزنده و دلپسند ایجاد شود.

انوس میلز: یکی از بهترین درس هایی که مردم از فضای دلپسند گردشگاه ها می آموزند، لزوم حفظ زیبایی های طبیعی است.

اصل چهاردهم - عرضه بهترین تجارب گردشگری

مفسران با طراحی امکانات و پیش بینی برنامه های هدفدار و متفکرانه، می توانند بهترین تجارب گردشگری را عرضه کنند.

ویژگی محیط های موثر بر افزایش یادگیری و ارتقاء تجربه های بهینه، نبود هر چیز اضطراب آور در آن هاست. پارک ها، موزه ها و آکواریوم ها این ویژگی را دارا هستند. معمولاً محیط های غیر رسمی عاری از اضطراب و دارای ویژگی الهام بخشی هستند.

مفسر با درک نظریه تجربه بهینه، می تواند به مخاطبان بهتر خدمت کند. وقتی بازدیدکنندگان در مکان های شگفت فرهنگی و طبیعی به تجارب بهینه مشغول هستند، مستعد دریافت لذت، یادگیری و الهام بخشی بیشتری می شوند.

مفسران با شناخت نظریه تجربه بهینه، می توانند لذت، سودمندی، بهره وری و تاثیرگذاری کار خود را به حداکثر برسانند.

اصل پانزدهم - عشق

عشق عامل اساسی اجرای تفسیر موثر و قدرتمند است. عشق به میراث فرهنگی_طبیعی و نیز، عشق به مردمی که آمده اند تا از آن منابع الهام بگیرند.

کارل شارسمیت عاشق گردشگاه ملی یوسمیت بود. وی بر نگرش هزاران بازدید کننده، تاثیر گذاشت و ایجاد وابستگی او با دیگران، دو طرفه بود.

چنانچه وقتی کودکان شرکت کننده در برنامه های تفسیری شارسمیت، به سن بزرگسالی می رسیدند، آن ها نیز کودکانشان را برای شرکت در گردش های تفسیری شارسمیت، نزد وی می آوردند.

تابلوهای تفسیری، مسیرهای تفسیری، تفسیر در مرکز بازدید کنندگان

در مکان های طبیعی و تاریخی، ایستگاه اطلاع رسانی گردشگری قرار داده شده است. این محل ها، ایستگاه های رادیویی با وات پایین برق که به محض ورود خودروها به ناحیه، به پخش اطلاعات می پردازد. این ایستگاه ها با این پیام ها، بازدید کنندگان

را به مکان مورد نظر هدایت می کنند و آنها را از وسیله نقلیه شان بیرون می کشند. معمولاً، گردشگران ورودیه ای می پردازند و نقشه یا بروشوری تحویل می گیرند و به سرعت راه می افتند. هرچند، متصدی ایستگاه باید بپرسد گردشگران چه مدت زمان دارند و علایق خاصشان چیست و

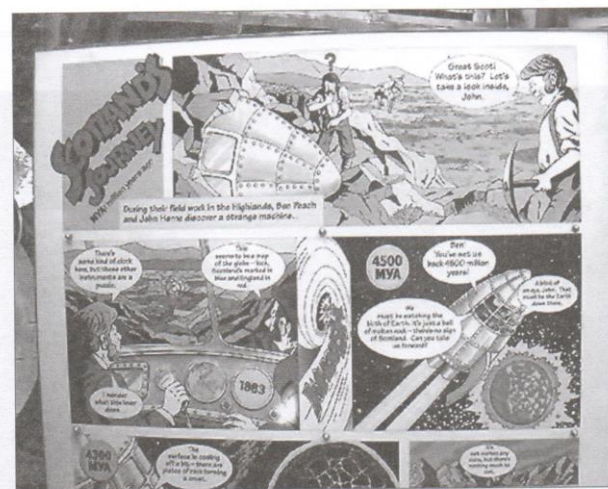
سپس بر آن اساس

توصیه های لازم را ارائه

دهند.

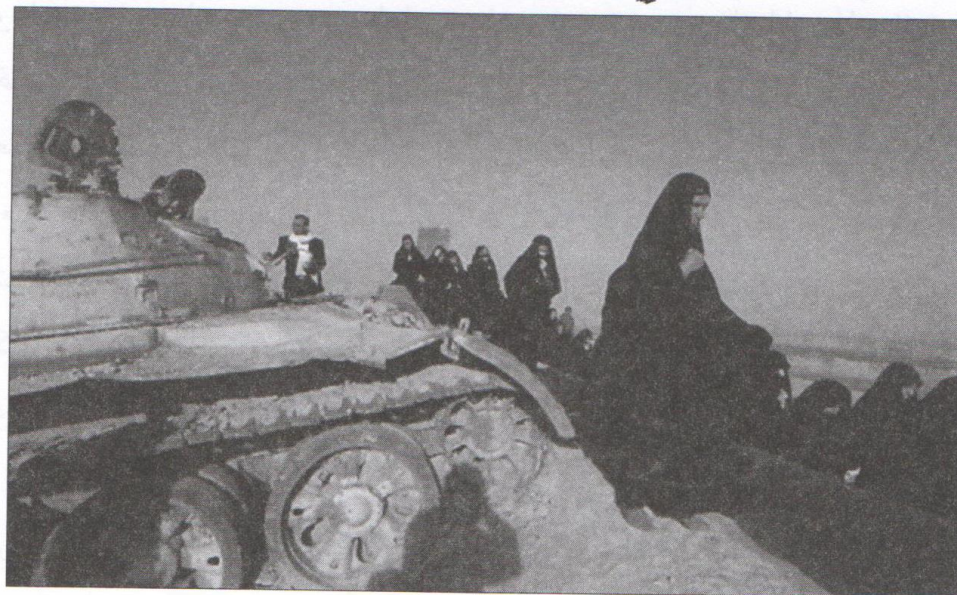


شکلی از توضیح و تفسیر مفهوم گسل (به معنی محل شکست و گسیختگی زمین شناسی) برای عموم مردم؛ توجه فرمایید واژه لاتین حک شده روی سنگ معادل واژه فارسی گسل بزرگ (رورانده) است که با برش آن، و برای سادگی درک با نمایش لغزش در طرفین واژه، نمادی از لغزش لایه های زمین را در کنار هم نشان داده اند.



تصویری از پوسترها و تابلوهای تفسیر به شکل تصاویر کارتونی آموزش علوم زمین و بازگویی آن برای کودکان در مرکز تفسیر و پاتوق زمین گردشگری، ناکن، اسکاتلند

طراحی مسیرها و ارائه ی خدمات با مشابهت سازی خدمات مربوط به دوران گذشته و استفاده از ابزار تفسیر برای تجسم بهتر صحنه های دفاع مقدس به گونه ای است که با ایجاد درگیری ذهنی و تفکر در حال و هوای گذشته، گردشگران بازدیدکننده از مناطق جنگی بیشترین تاثیرپذیری را دارند.



تور گردشگری در مناطق جنگی جنوب غربی کشور (تور همگانی راهیان نور)؛ در مسیر گردشگری، از تانک منهدم شده دوران دفاع مقدس، به عنوان ابزاری برای تفسیر بازدید، در کنار توضیحات راویان (راهنمایان) استفاده شده است (عکاس: ق. مسعودی، fardanews.com)

تفسیر چهره به چهره و تفسیر غیر حضوری

ارائه تفسیر حضوری، به برنامه هایی در قالب اجرای انواعی از گفتگوها، نمایش ها، نمایش عروسکی، زنده سازی تاریخ گذشته و قدم زدن در طبیعت اتلاق می شود. این امور می تواند در سالن های سرپوشیده، بر روی سکوهایی ایجاد شده در فضای باز (شب نشینی دور آتش)، در طول مسیر پیاده روی، یا در هنگام عبور از راهروهای یک ساختمان تاریخی انجام شود.

تفسیر غیر حضوری همه چیز را (از پخش رادیویی به مسافران در ایستگاه {به محض ورود بازدیدکنندگان به گردشگاه} تا تابلوها و نمایشگاه های کنار جاده ای و مسیرهای خود راهنما و رایانه های تعاملی) شامل می شود.

بررسی کمبودها و لزوم مراکز بازدیدکنندگان و تفسیر میراث جاندار در ایران